

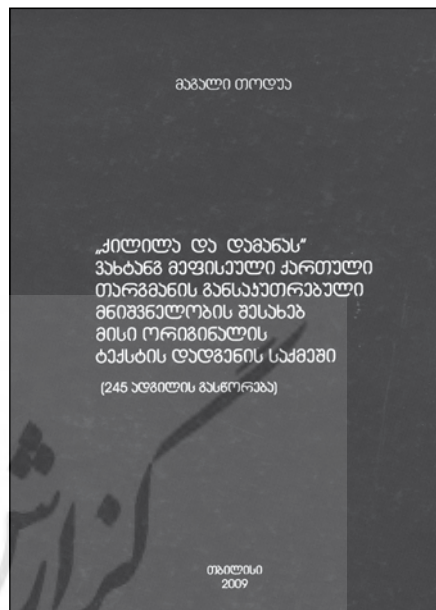
اهمیت ترجمه کهن گرجی انوار سهیلی برای تصحیح متن فارسی آن

تئا شورغایا *

گرجی را معرفی می کند. قبل از پرداختن به بررسی کتاب باید سخنی چند راجع به تاریخچه ترجمه کتاب کلیله و دمنه به زبان گرجی گفته شود.

طی جریان نهصدساله ترجمه ادبیات فارسی به زبان گرجی، سه اثر سخنواران پارسی گو از اهمیت و جایگاه خاصی نزد گرجیان برخوردار گردید: شاهنامه فردوسی، ویس و رامین فخرالدین گرگانی و انوار سهیلی حسین بن علی کاشفی. میزان محبوبیت و رواج آثار مذکور در این کشور باعث شده که ایران شناسان و گرجی شناسان در گرجستان و حتی خارج از آن به تحقیق و مطالعه همه جانبه آنها بپردازند و صدها و هزاران مقاله علمی و کتاب در این زمینه ارائه بدهند. هر یکی از سه اثر نامبرده نقش و اهمیت چشمگیری در سیر تحول ادبیات گرجی داشته که در جای خود شنیدنی است اما در این مقاله صرفاً به ارائه اطلاعات مختصری درباره ترجمه انوار سهیلی به زبان گرجی بسنده می گردد.

کتاب کلیله و دمنه چندین بار به زبان گرجی ترجمه شده است و هر سه ترجمه به نحوی با نام شاه و ااختانگ ششم (۱۶۵۸-۱۷۳۷ م.) مرتبط است. داویت، شاه کاختی^۱ (د. ۱۶۰۲ م.) اولین شخصی بود که اقدام به ترجمه کتاب کلیله و دمنه به گرجی کرده است^۲ اما متأسفانه موفق نشد کار را به



در سال ۲۰۰۹ م. (۱۳۸۸ ش.)، کتاب جدیدی به قلم ایران شناس شهیر گرجی، پرفسور ماگالی تودوا، تحت عنوان درباره اهمیت ویژه ترجمه گرجی (اوایل قرن ۱۸ م) و ااختانگ ششم برای تصحیح غلطهای متون چاپی «انوار سهیلی» کاشفی در تفلیس انتشار یافت که ۲۴۵ نمونه اصلاح متن فارسی این کتاب با کمک و به کارگیری ترجمه های کهن

* استاد دانشگاه دولتی تفلیس و عضو ارشد علمی مؤسسه شرق شناسی تفلیس / پست الکترونیک: teashurgaia@yahoo.com

۱. کاختی: منطقه ای در شرق گرجستان. ۲. محققین گرجی طی مطالعات خود اشاره می کنند که احتمالاً از قرن ۱۲ میلادی و حتی قبل از آن گرجیان با حکایات کلیله و دمنه آشنا بوده اند. به عنوان مثال آکادمیسین کورنلی که که لیدزه (Korneli Kekelidze) بر این باور است که کتاب کلیله و دمنه در قرن ۱۲ میلادی، احتمالاً از روی روایت نصرالله منشی، به زبان گرجی ترجمه و سپس گم شده بوده است (که که لیدزه: ۴۶۲). وی در بخشی دیگر از اثر خود (همو: ۲۸۹-۲۹۰) به حکایتی مشابه «حکایت زغن و باز» در اثر لیونتی مروولی (Leonti Mroveli)، تاریخ نویس قرن ۱۱ میلادی اشاره می کند که در هیچ یک از روایات و متون قدیمی کتاب کلیله و دمنه (حتی متن عربی) ثبت نشده و تنها در انوار سهیلی کاشفی یافت می شود. محقق معتقد است که این حکایت تألیف لیونتی مروولی نیست بلکه از منبعی ناشناس برگرفته شده است. بر اساس این داده ها، آکادمیسین الکساندر گواخاریا (Alexandre Gvakharia) فرضیه ای مطرح می کند مبنی بر آن که روایتی از کلیله و دمنه وجود داشته که حاوی حکایت زغن و باز بوده ولی به دست ما نرسیده است (گواخاریا، ۱۹۹۵: ۶۶). از این گذشته، خود و ااختانگ ششم مترجم گرجی انوار سهیلی در مقدمه ترجمه اش به ترجمه گرجی قرن ۱۲ میلادی از حکایات کلیله و دمنه اشاره می کند. منبع آگاهی و ااختانگ در این باره، «زندگی نامه کارتلی» (یا تاریخ گرجستان) است که مجموعه ای است از آثار کهن در موضوع تاریخ گرجستان از دوران بسیار قدیم تا قرون وسطی، و منبعی مهم برای شناسایی سرگذشت گرجستان و همسایگان این کشور، از جمله ایران. این مجموعه به صورت چندین نسخه خطی (حدود ۲۰ نسخه) به دست ما رسیده و سه بخش از این مجموعه به لیونتی مروولی منسوب است.



داستان گفته می‌شود^۳ و من خواستم داستان را به صورت شعر بیان کنم... تمثیل‌های فارسی که شعر بود را بهتر از این نتوانسته‌ام بسرایم ولیکن در کتاب فارسی نظم و شیوایی بسیار عالی دارد.

بالاخره واختانگ تصمیم گرفت متنی را که آماده کرده بود برای پیرایش و پرداخت، و به عبارت دیگر برای ویراستاری، به فردی دانا و صاحب‌ذوق بسپارد. این مسئولیت خطیر بر عهده سولخان سابا اوربلیانی^۴ معلم واختانگ و شخصیت معروف، فرهنگ‌نویس، نویسنده و رجل سیاسی گذاشته شد. متنی که از زیر دست این مرد بزرگوار بیرون آمد به نام «ویرایش C» مشهور است.^۵

علاقه‌مندی گرجیان به این اثر کم‌نظیر است. علاوه بر مترجمین ایران‌شناس، محققین فعال در زمینه بررسی پیوندهای ادبی ایران و گرجستان نیز مقالات و کتاب‌های پرارزشی پیرامون ترجمه‌های گرجی انوار سهیلی نگاشته‌اند. اکثریت محققین بر اهمیت ترجمه گرجی جهت شناسایی و مطالعه متن اصلی فارسی تأکید می‌کنند. یکی از پژوهشگران خستگی‌ناپذیر، ایران‌شناس معروف گرجی، پروفیسور ماگالی تودوآ، در آخرین تکی‌نگاری خود با یادآوری فقدان متنی انتقادی و آکادمیک از انوار سهیلی به زبان فارسی^۶ می‌نویسد: در شرایط موجود برای تدوین متن آکادمیک کلیله و دمنه به زبان فارسی قدیمی‌ترین ترجمه‌های آن به زبان گرجی... اهمیت ویژه‌ای به خود می‌گیرند... «ویرایش A» ترجمه دقیق نمی‌باشد و لذا همیشه نمی‌تواند به امر تعیین متن فارسی یاری برساند. اما ترجمه واختنگ دقیق است و با وجود این که شاه فرهنگ‌دوست در مواردی نه چندان کم نتوانسته است متن اصل را به خوبی بخواند و متوجه شود باز هم ترجمه وی این امکان را فراهم می‌آورد تا شکل و نوشته نسخه فارسی که واختنگ در دست داشت (طوری که می‌شود پی برد نسخه منحصر به فردی از اصل بوده

اتمام برساند و ترجمه وی از کمی پیش از داستان «کشف و عقرب» جلوتر نرفت. این ترجمه در محافل علمی گرجستان «ویرایش A» نامیده و به عنوان کار دسته‌جمعی شناخته شده است چرا که بنا به دستور شاه واختانگ ششم متن ترجمه شده توسط داویت، نخست در تفلیس به واسطه یک ایرانی مسلط به گرجی پی گرفته شد و سپس در ایران توسط یک ارمنی که زبان گرجی را یاد گرفته بود تکمیل گردید.

«ویرایش B» این اثر ترجمه تحت‌اللفظی گرجی از انوار سهیلی است که خود واختانگ ششم انجام داده بود. واختانگ ششم که خدمت کم‌نظیری به ترجمه و محبوبیت کتاب کلیله و دمنه کرده بود، توضیحات و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای راجع به این اثر بر جای گذاشته است. شاید یادآوری برخی قطعات از وصیت‌نامه واختانگ که به متن ترجمه خود اضافه کرده بود خالی از لطف نباشد. واختانگ کتاب انوار سهیلی را چنین توصیف می‌کند:

این کتاب به دستم افتاد. دیدم که شیرین است و کاملاً مفید بین کتاب‌های قصه یا دانش دنیاوی موجود یکی پیدا نمی‌شود که به این اندازه آموزنده و خواندن آن این قدر لذت‌بخش باشد.

واختانگ ششم ترجمه اثر کاشفی را در دوران اسارت خود در کرمان آغاز کرد. وی از ترجمه‌های قبلی که به دستور خودش صورت گرفته بود راضی نگشت و صلاح دانست به قول خود «به زبان ساده و عام‌پسند ترجمه شود تا خواننده از خواندن آن بی‌زار نگردد و حکمت به گوش شنوا برسد».

به طوری که در بالا گفته شد، واختانگ ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه داده و نهایت تلاش خود را به کار بسته بود. وی اذعان می‌دارد:

در زبان فارسی بسیار زیبا و شیرین گفته شده. می‌بینید که شعر را به شعر آورده‌ام... و داستان را به صورت داستان. اما شعر فارسی به گرجی گردانیده نمی‌شود بلکه به شکل

۳. گفتنی است که طی قرن‌ها در گرجستان روایی به وجود آمده بود که طبق آن آثار ادبیات فارسی نخست به صورت نثر برگردانیده می‌شدند و فقط سپس با مرور زمان دوباره به شعر و نظم درمی‌آمدند یا به همان شکل یعنی نثر می‌ماندند.

4. Sulkhani-Saba Orbeliani (1685 – 1725)

۵. شخص دیگری به نام «اونانا» (Onana) نیز عهده‌دار مسئولیتی مشابه مسئولیت اوربلیانی شده بود که به خاطر مفصل بودن موضوع از بررسی آن خودداری می‌گردد؛ به‌ویژه که برای بحث اصلی مقاله اهمیت حیاتی ندارد.

۶. در این رابطه یادآوری می‌شود که دکتر محمد روشن در همان سال یعنی ۱۳۸۸ بر اساس نسخه مرکز تحقیقات زبان فارسی پاکستان (۹۷۰ هـ.ق) متن انوار سهیلی را تصحیح نموده، همراه حواشی در تهران منتشر کرد. متأسفانه در مقدمه تصحیح دکتر روشن تقریباً از کلیه ترجمه‌های انوار سهیلی به زبان‌های دنیا یاد می‌شود به جز ترجمه کهن به زبان گرجی. پس دو دانشمند گرجی و ایرانی به طور مستقل و بی‌خبر از فعالیت یکدیگر به سوی یک هدف — یعنی تصحیح انتقادی این متن — رو آورده بودند و متأسفانه از حاصل تلاش‌های یکدیگر محروم مانده‌اند.

است) باز یافت شود و از این طریق اغلاط متعددی موجود در متن فارسی اصلاح گردد.^۷

نسل‌هایی از ایران‌شناسان گرجی به تحقیق و بررسی ترجمه‌های گرجی از انوار سهیلی ارج نهاده، نتایج بسیار چشمگیری به دست آورده‌اند. از جمله پروفیسور تودوآ که طی چند دهه مقالات و کتاب‌های متعددی به این موضوع اختصاص داده است و اخیراً به انتشار ۲۴۵ مورد برگرفته از ترجمه واختنگ ششم که می‌توان برای تصحیح متن فارسی از آن استفاده کرد به صورت یک تک‌نویسی مبادرت نموده است. در این کتاب با مقایسه دو نسخه چاپی از این اثر به زبان فارسی^۸ با ترجمه کهن گرجی آن سعی شده است اصلاحاتی برای تصحیح متن فارسی پیشنهاد گردد.

به منظور معرفی روش تصحیح متن فارسی با کمک و بر اساس ترجمه گرجی که پروفیسور تودوآ در کتاب خود به کار گرفته است، ذیلاً چند نمونه از اصلاحات با اندکی تخلص آورده می‌شود:

۱. نمونه شماره ۱۲:

در متن چاپی سال ۱۳۴۱ اصل (ص ۲۶) در وصف اوضاع و احوال شاه چین می‌خوانیم: «در شاهی و راحت باز کردی...». به عقیده پروفیسور تودوآ «شاهی» و «راحت» کلمات مترادف نیستند. وی احتمال می‌دهد که در این جمله جفت دیگری از کلمات هم‌معنی باید باشد که متن چاپ سنگی انوار سهیلی حدس او را تأیید می‌کند چون در صفحه ۲۰ چنین آمده است: «در شادی و راحت باز کرده...». ترجمه واختنگ ششم نیز چنین معنی‌ای را می‌رساند: «در راحتی و شادی را باز کرده بود». پروفیسور تودوآ بر اساس تطبیق ترجمه واختنگ با دو متن فارسی به این نتیجه می‌رسد که شکل آمده در متن چاپ سنگی صحیح است نه چاپ حروفی.

۲. نمونه شماره ۲۵:

در صفحه ۳۷ متن چاپ سنگی چین آمده است: «لذت نقد را بسودای نسیه از کف ندهد». متن چاپ سال ۱۳۴۱ فاقد کلمه «نقد» است. واختنگ این جمله را بدین شکل ترجمه کرده

است: «مزه نقد را قربانی سوداگری نسیه نکند». ضمن بررسی این مورد ماگالی تودوآ به ترجمه قبلی گرجی به قلم داویت، شاه کاختی، نیز اشاره می‌کند که کلمه «نقد» را آورده بود. به عقیده تودوآ، همه این شواهد نشان می‌دهند که در متون فارسی که مترجمین گرجی در دست داشته‌اند کلمه «نقد» وجود داشته و باید حفظ شود.

۳. نمونه شماره ۳۵:

متن فارسی چاپ سال ۱۳۴۱ (ص ۳۸) چنین است: «هرچند او را بمکتب بردندی از میان سر برزدی». چاپ سنگی ضبط دیگری دارد: «...از میان سر برزدی». پروفیسور تودوآ با یادآوری این نکته که در هر دو ترجمه گرجی کلمه «میدان» در این جمله حضور دارد، به این نتیجه می‌رسد که در متن انتقادی و آکادمیک انوار سهیلی این کلمه را باید «میدان» ضبط کرد نه «میان». برای شفافیت بیشتر، همین جمله را از دو ترجمه گرجی به قلم داویت و واختنگ ششم می‌آوریم:

- ترجمه داویت: «هر بار او را به آموزشگاه می‌بردند از میان میدان سر در می‌آورد.»

- ترجمه واختنگ: «هر بار او را برای درس خواندن می‌بردند از میدان سر می‌آورد.»

ماگالی تودوآ در کتاب خود ۲۴۵ مورد را به طور شرطی به دو دسته تقسیم می‌کند: مواردی که هیچ تردید و شکی در مورد آنها ندارد و متن اصل باید تصحیح شود و دسته دیگری که هنوز برای بحث و ارزیابی جا دارد یا نمی‌توان اطمینان کامل درباره آنها پیدا کرد.

کتاب مورد بحث واقعاً دست‌آورده مهم و جالب توجهی برای صاحب‌نظران ایرانی است. پروفیسور تودوآ مدتی است در انتظار تشکیل کمیسیون کارشناسی جهت تعیین و تدوین متن آکادمیک و انتقادی انوار سهیلی است و اطمینان دارد این امر بدون جلب نظر متخصصین گرجی میسر نخواهد بود. به عقیده نویسنده این سطور تحقیق ایشان (درباره اهمیت ویژه ترجمه گرجی...) می‌تواند در تحقق این امر بسیار کارآمد باشد. بار دیگر یادآوری می‌شود که کتاب مورد بحث ادامه تلاش‌های خستگی‌ناپذیر پروفیسور تودوآ در زمینه مطالعات

۷. تودوآ، ۲۰۰۹: ۸-۹.

۸. انوار سهیلی (چاپ سنگی)، کلکته: ۱۸۸۰؛ کلیله و دمنه کاشفی یا انوار سهیلی، تهران: ۱۳۴۱ (نک: کاشفی در منابع).

که به بدنه کتاب ضمیمه شده، محقق جداولی نیز حاوی آمار ثبت حکایات کلیله و دمنه در مجموع روایات این اثر درج کرده است.

گفتنی است که ماگالی تودوآ روی دو نسخه از کلیله و دمنه احمد بن قانع طوسی نیز کار کرده بود که توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در تهران منتشر گردید (نک: قانع طوسی در منابع).

در پایان ابراز امیدواری می‌گردد که کوشش و تلاش‌های پروفیسور تودوآ مربوط به اثر ماندگار کاشفی بتواند مخاطب خود را در محافل علمی ایران پیدا کند.

منابع:

- تودوآ، ماگالی، ۲۰۰۹ م. (به زبان گرجی)، درباره اهمیت ویژه ترجمه گرجی (اوایل قرن ۱۸) و اختانگ ششم برای تصحیح غلط‌های متون چاپی «انوار سهیلی» کاشفی (۲۴۵ نمونه)، تفلیس: انتشارات «اونیورسالی».
- قانع طوسی، احمد، کلیله و دمنه، به تصحیح ماگالی تودوآ، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸ ش.
- کاشفی سبزواری، ملاحسین واعظ، انوار سهیلی، حسن ساعی کارپردازان مطبع منشی نولکشور، کلکته، ۱۸۸۰ م.
- انوار سهیلی، با تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۸ ش.
- کلیله و دمنه کاشفی یا انوار سهیلی، تهران، ۱۳۴۱ ش.
- که‌که‌لیدزه، کورنلی، ۱۹۸۱ م. (به زبان گرجی)، تاریخ ادبیات کهن گرجستان، ۲ ج، تفلیس: انتشارات متس‌نیربا.
- گواخاریا، الکساندر، ۱۹۹۵ م، «مسایل روابط ادبی گرجی و شرقی در آثار آکادمیسین کورنلی که‌که‌لیدزه»، در: بیست و دو مقاله درباره روابط ادبی گرجی و فارسی، تفلیس: دانشگاه دولتی تفلیس.



მეფე ვახტანგ VI

1724 წ. დროის ქართველი მხედრის მინიატურა. (საქართველოს ისტორიის ინსტიტუტი, P-2)

شاه و اختانگ ششم

مینیا تور مورخ ۱۷۲۴ م. از نقاش ناشناس گرجی

از روی نسخه P-2 انستیتو شرق شناسی سن پترزبورگ

مربوط به انوار سهیلی و ترجمه‌های گرجی آن می‌باشد. در این راستا اشاره به کتاب ۸۱۰ صفحه‌ای همان مؤلف که در سال ۲۰۰۶ انتشار یافت کافی است. در این کتاب محقق گرجی علاوه بر تطبیق ترجمه‌های گرجی و اختانگ ششم و سولخان - سابا اوربیلیانی با متن فارسی انوار سهیلی حسین بن علی کاشفی و مشخص کردن اغلاط و لغزش‌های ترجمه‌های گرجی گزارش‌های مفصلی درباره ریشه‌های کتاب کلیله و دمنه و روایات آن، همچنین راجع به روایات فارسی این اثر و نیز پیرامون روایات گرجی کتاب کلیله و دمنه تهیه کرده است. وی در این کتاب در خصوص مینیا توره‌های نسخه خطی ترجمه گرجی از انوار سهیلی (مجموعاً ۸۰۵ قطعه) نیز سخنی چند گفته است. همچنین، علاوه بر لغت‌نامه و فهرست‌هایی

